



روایت روز چهارم: چرا اغلب پیامبران در چهل سالگی مبعوث شدند؟/ ظهور توانایی انسان های بزرگ

در روز اربعین با آثار و گفتاری از: آیت الله جوادی آملی، آیت الله وحید خراسانی، دکتر رسول جعفریان، استاد پرویز خرسند، دکتر محمدرضا سنگری، دکتر محسن اسماعیلی.

در روز اربعین با آثار و گفتاری از: آیت الله جوادی آملی، آیت الله وحید خراسانی، دکتر رسول جعفریان، استاد پرویز خرسند، دکتر محمدرضا سنگری، دکتر محسن اسماعیلی.

[Video Link](#)

آیت الله جوادی آملی / چرا اغلب پیامبران الهی در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند؟

آیت الله جوادی آملی در بخشی از کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» به ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (ع) پرداخته است. آیت الله جوادی آملی نوشته است: «اربعین و عدد چهل خصوصیتی دارد که دیگر ارقام آن را ندارد. غالب انبیای الهی در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند و ملاقات خصوصی حضرت موسی (علیه السلام) و ذات اقدس الهی چهل شب بود و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرمی بدارید. این ها نشان می دهد که عدد چهل از برجستگی خاص برخوردار است.

در روایات اسلامی چنین آمده است: زمینی که روی آن انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن، خدا را عبادت کرده اند، چهل روز در مرگ آنان می گرید، ولی در شهادت امام حسین (علیه السلام) آسمان و زمین، چهل روز خون گریه کردند. البته اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد؛ چنان که نباید آن را انکار کرد.

توضیح آن که در سیارات آسمانی بارها انفجارهایی رخ می دهد که با چشم عادی هرگز دیده نمی شود؛ ولی متخصصان با استمداد از علم نجوم و از رصدخانه به تماشای این انفجارها می نشینند. همان گونه که مردم عادی نباید خبر وقوع این انفجار را به صرف ندیدن آن با چشم ظاهری انکار کنند، خون گریه کردن آسمان و زمین را نیز نباید انکار کنند؛ زیرا این موارد نیز جزو علمی نیست که بشر عادی آن را نظاره کند، حتی از رصدخانه نیز دیده نمی شود.

اساساً امر ملکوتی را هرگز نمی توان با ابزار ملکی ادراک کرد. مثلاً با دقیق ترین و پیشرفته ترین فنّ رصد سپهر نمی توان مشهودات رؤیای صادق انسان نائم را رصد نمود. اگر یوسف عصر در ساحت رؤیا مشاهده کند که یازده ستاره به همراهی ماه و آفتاب برای وی سجده کردند، هرگز چنین صحنه ای را نمی شود با هیچ رصدخانه ای تصدیق یا تکذیب نمود. غرض آن که معنای اشک ریزی یا خون باری ملکوتی نه مورد تصدیق فنّ تجربی است و نه در قلمرو تکذیب آن قرار می گیرد و هیچ گاه استبعاد به جای استحاله نمی نشیند. کسی که صاحب بصر نیست تا ببیند، لا اقل باید صاحب نظر باشد که گوش شنوا به ندای صاحب بصران داشته باشد.

برای تحقیق این موارد، علم مخصوص لازم است که اصطلاح و متخصصان ویژه خود را دارد که اهل ولایت و علمای بزرگ دینی اند. آنان این گونه از احادیث را با جان پذیرفتند و فهمیدند که آسمان و زمین خون گریه می کنند. از امام زمان (علیه السلام) نیز نقل شده است که به امام حسین (علیه السلام) عرض می کنند: اگر اشک چشم تمام شود، برایت خون می گریم؛ «و لأبکین علیک بدل الدموع دماً»

گفتنی است: گرامیداشت یاد متوفا پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از متوفای خود تجلیل می کنند. در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم (علیهم السلام) در نخستین اربعین آنان مراسم گرامیداشت انجام می شده است؛ ولی شهادت امام حسین (علیه السلام) این ویژگی را دارد که روز اربعین حسینی هر ساله تا قیامت ادامه خواهد داشت.»

آیت الله وحید خراسانی/ مزاری که همه انبیاء آن را زیارت می کنند

آیت الله وحید خراسانی توصیه هایی به زائران کربلا و دوستداران امام حسین (ع) کرده و گفته است: «هیچ پیغمبری نیست، یعنی از آن آدمی که شد صفی الله و مسجود تمام ملائکه الله، و آن نوحی که نهصد و پنجاه سال مردم را به خدا دعوت کرد و شد نجی الله، و آن ابراهیمی که خدا او را مبتلا کرد به کلمات و بعد از تمام آن کلمات از نبوت و رسالت و خلت گذشت و به مقام امامت رسید، و آن موسایی که خدا درباره او فرمود: و ننادیناه من جانب الطور الایمن وقریناه نجیا، و شد کلیم الله، و آن عیسایی که از دم روح القدس به وجود آمد و شد کلمة الله و روح الله، همه اینان مسألتشان از خداوند تبارک و تعالی این است که به آنان اذن دهد که به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام مشرف شوند.

آیا در آن بقعه چه غوغا است که مطاف تمام انبیا و اولوا العزم از فرستادگان خداست. فوجی از آسمان به زمین نازل و فوجی از زمین به آسمان صاعد، و آن فوج، مرکب از ملائکه مقربین و انبیا و مرسلین است، و تا قیامت امر بر این منوال است. خوشا به حال کسانی که قدر این نعمت را بدانند و بعد از این سفر که از هر گناهی پاکیزه می شوند، مراقب باشند که خود را

آلوده نکنند، و خدا و امام زمان علیه السلام را هرگز فراموش ننمایند. و هر ماهی یک ختم قرآن بکنند و به روح رسول خدا صلی الله علیه و آله تا امام زمان علیه السلام نثار کنند و همه قرآنی را که در دوره ی سال برای چهارده معصوم قرائت کردند، به حضرت ولی عصر صاحب العصر والزمان علیه السلام هدیه کنند، که این عمل آنان را با امام زمان علیه السلام محشور خواهد کرد و کسی که با او باشد با تمام انبیا و اوصیا است.»

دکتر رسول جعفریان / تشبیه موقعیت امام حسین به حضرت مسیح توسط غالیان

"غالیان" گروهی از تظاهرکنندگان به اسلام هستند که در غلو کردن نسبت به جایگاه و نقش ائمه و امامان شیعه پا را از مرز اعتدال بیرون گذاشته و حرف هایی بی اساس درباره ائمه زده و می زنند. دکتر رسول جعفریان، استاد تاریخ اسلام در پاسخ به چند سوال نقش غالیان در تحریف واقعه کربلا را بررسی کرده است. دکتر جعفریان درباره سخنان غالیان در این باره می گوید: «در نکته عجیبی که در این باره رخ داد و البته با اندیشه غالیان کاملاً سازگار بود آنکه امام حسین(ع) در این حادثه موقعیتی شبیه به عیسی بن مریم (ع) یافت. سوال آنها این بود که چگونه ممکن است از گیر چنین شکستی برای ولی خدا بدر آییم؟ بهتر آن است که وضعیت او را با وضعیت عیسی مسیح(ع) در روز به دار آویخته شدن او شبیه بدانیم. یهودیان بجای مسیح شخص دیگری را به صلیب کشیدند. در کربلا نیز کوفیان حنظله بن اسعد شامی را بجای امام حسین(ع) به قتل رساندند!»

دکتر محسن اسماعیلی / سنت بزرگداشت اربعین و تاکید بر چهل برای چیست؟

گرچه اعتبار اصلی و بستگی ذاتی اربعین حسینی(ع) به عاشورا نیازی به توضیح ندارد؛ اما ویژگی هایی را داراست که آن را انحصاراً در جای خود نیز صاحب نور و خاصیتی جداگانه می نماید. دکتر محسن اسماعیلی درباره زیارت اربعین و اسرار اعداد می گوید: «بیستم ماه صفر المظفر یا همان اربعین؛ چهلمین روز پس از فاجعه جانسوز کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یاران با وفایی است که مانند آنها را تاریخ به خود ندیده بود و دیگر هم نخواهد دید. این روز دارای قداست فراوان و آداب ویژه و در خور تاملی است. سنت بزرگداشت «اربعین»، در میان پیشوایان دین، تنها برای سالار شهیدان مرسوم و مورد توصیه و تاکید است؛ تا آنجا که «زیارت اربعین» از نشانه های ایمان معرفی شده است. چرا؟ رمز تاکید بر «چهل» چیست؟ در اربعین چه اتفاقی افتاد و چه باید کرد؟»

جهانی که ما در آن زندگی می کنیم؛ پر از رمز و راز است و کمتر می توان پدیده ای را فاقد ابعاد پنهان و اسرار شگفت انگیز دانست. برای همین است که در همه چیز عالم خلقت باید تدبیر کرد. بی اعتنایی و ساده انگاری در مواجهه با حوادث و پدیده ها شیوه فرزنانگان نکته سنج نیست. حتی «برگ درختان سبز در نظر هوشیار، هر ورقش دفتر ی است معرفت کردگار.»

استاد پرویز خرسند / سرنوشت دردناک ملتی که گورکن شده است

نوشته ای از استاد پرویز خرسند را از کتاب «برزبیرگان دشت خون» در ادامه می خوانید.
«چه دردناک است زندگی انسانی که خویشتن را به کام مرگ دراندازد و با دست خود رشته حیات خویش را بگسلد و من و تو سرنوشتی دردناک داریم؛ سرنوشتی که نویسنده اش خود ماییم.
خویش را می کشیم و در مرگ خویش سوگواری می کنیم! ما راه درازی پیمودیم، از کربلای خون گرفته تا مدینه غرق در اشک با هم بوده ایم، با این امید، این همه راه شما را کشانده ام که «شاید اثر کند و دلی بسوزد».
دلا بسوز که سوز تو کارها بکند نیاز نیمه شبی دفع صد بلا بکند

در آنجا مردانی را دیدیم که برای زندگی من و تو و همه و همه، مرگ را پذیرفتند و مردند تا زنده بمانیم. چه ناجوانمردانه است که زندگی هدیه مان کنند و ما مرگ نثار نماییم. و ما این چنین ناجوانمردانی هستیم. وجدان ناراحت و ناآرام ماست که فریاد بر می دارد و شاهد زندگی را در کاممان شرنگ می سازد. چگونه می توانیم امید بهروزی داشته باشیم و آرزوی سعادت کنیم، همه چیز را به بازی گرفته ایم و در این تماشاخانه ی بی در و پیکر به دلک بازی پرداخته ایم.

از کربلا و حسین، از زینب و کوفه و شام و از مدینه ی اشک آلود، بی توجه به هدف، یاد کردن و بی کوششی برای نتیجه گیری، همانند فخر فروشی، مسخره ای است که به نیاکانمان داریم. راست است که پدران ما فاتحانی زورمند بودند و تخت جمشید و مدائن یادگار عظمت های دیرین ماست، اما از آن همه ما را چه سود؟! حسین پیکارگری بی باک بود و در راه آرمان های بزرگ انسانی از همه چیز خود گذشت. و زینب نمونه ی استقامت و پایداری و صبر و بردباری بود، اما با فراموشی هدف بزرگ حسین و زینب و تنها ناله کردن و ندبه، ما را چه ارمغان دارد؟ ما را چه می افزاید؟

چه دردناک است، سرنوشت ملتی که گورکن شده باشد. گورکن آرزوها و آرمان هایش، ما با شادی و بی آنکه خود بدانیم، برای کفی نان که مرد گورکنی است برای بزرگانمان و برای برادران و خواهرانمان گور می کنیم. آنان را خاک می سپاریم و بی هیچ دریغ و افسوسی با مزدی که در قبال گورکنی گرفته ایم به خانه هایمان که گورستان است باز می گردیم.

آن آهنگر که پیشیندش روزگاری درفشمان بود چسان خوابیده است که بیداری ندارد؟

من می گریم و گریه ام برای زینب و حسین نیست چه آن ها به اشک و آه ما نیازی ندارند، به خود می گریم، به تو، به او و به همه می گریم.

محمد که از حراء به زیر آمد، برایمان آزادی، مساوات، برادری و محبت به ارمغان آورد اما چه دردها که کشید و چه شکنجه ها که دید، لیک از پای ننشست. علی به فرمان خدا و پیامبر به پا خاست تا سازنده ی زندگی انسان باشد اما نفاق و دو رویی و غرور ما آدمک ها، او را در نمازگاه به خون کشید. قلب حساس و آدمیخواه حسن، فرزند علی که برای ما می تپیده هم، به دست

ما سوراخ شد. حسین برخاست و در راه انسان همه چیز داد و در صحرای تفتیده کربلا عملاً نشان داد که می توان بر روی همین زمین خاکی بهشت را بنا نهاد.

حسین و یارانش محبت کردند تا دوستی بیاموزند، پیکاری جوانمردانه کردند تا راه نبرد نشان را دهند و انسان وار مردند تا زندگی بسازند، و از آن همه ما امروز چه داریم؟ اگر مبارزه ای هست نه برای خداست، بلکه برای ارضای خوی خودخواهی ماست. زندگی می کنیم و به قیمت زنده بودن خویش، دیگران را به مرگ می کشانیم. بازوان جوانانمان که توان ساختن دارند به ویرانی پرداخته اند و دینی که قربانیان فراوان داده و در تلاش پی ریزی زندگی مان بوده، امروز غریب مانده و ما وقیحانه بر تنهائیش می خندیم.

چه بیرحمانه است این پندار که «اسلام سبب سیاهی روزگاران شده!» آنان که پیرو این عقیده اند، نمی دانم چقدر مسلمان بوده اند و تا چه اندازه برای اسلام کوشیده اند. روزگاری که دین آنچنان که بود بر ما حکم می راند، آقا بودیم و ثروتمند، خوشبخت بودیم و پیروز. امروز دوری از اسلام حقیقی ما را بدین روز نشانده است.

یک لحظه جوانمردانه رفتار کنیم، از حسین و از زینب یاد کنیم و مرگ و زندگی را از آنها بیاموزیم. کاروان برزیگرانی که در دشت خون بذر زندگی پاشیدند، به مدینه بازگشت، و از آن روز هر سال بدین هنگام یادشان در خاطره ها زنده می شود. از آن یاد الهام بگیریم و دستهایمان را در هم فشاریم و راه را به سوی خورشید، به سوی جاودانگی و به سوی ابدیت آغاز کنیم.»

دکتر محمدرضا سنگری / ظهور توانایی انسان های بزرگ آنجاست که همه پایان توانایی آن ها می انگارند

دکتر محمدرضا سنگری در کتاب «چهل روز عاشقانه» خود می نویسد: «کربلا، جغرافیای توانایی انسان را شناساند تا خوگران به زنجیر، شیوه ی رهایی بیاموزند و با باور خویش و توان پنهان در خویش، رهنورد جاده های غریب و فاتح میدان های هولناک و دشوار باشند.

اربعین حسین، ظهور حقیقت انسان، جلوه گاه توانایی انسان و نمایش شگفت ایمان و شکست ناپذیری اراده ای تکیه داده بر بازوان نیرومند خداوند است، زنجیرگسستگان، وارستگان از اسارت دنیا و پیوستگان به محبوب، پیروز بی تردید همه ی صحنه ها و میدان هایند و این حقیقت را در اربعین می توان تماشا کرد.

مگر کربلا همان زمینی نیست که چهل روز پیش، همه چیز در نگاه کوتاه بینان، «نتوانستن» حسین را فریاد می زد. مگر کربلا همان نقطه ای نیست که چهل روز پیش، هر کس غروبی را ترسیم می کرد که هفتاد و دو تن غرقه در خون و خیمه هایی شعله ور و زنان و کودکانی در زنجیر، پایان حادثه باشد. قهرمانان آن روز در اربعین، ناتوان ترین و شکست خورده ترین انسان ها و شکست خوردگان آن روز، امروز فاتح ترین و سربلندترین نام هایی هستند که بر زبان ها و ذهن ها می گذرند. در اربعین، دیگر کربلا قلمرو خشونت شمر نیست، پهنه ی قدرت نمایی عمر سعد نیست که پایتخت اقتدار عشق است، قلمرو قدسی محبت است و میدان وسیع حکومت ایمان.»

نخستین زائر قبر امام حسین(ع)

منابع تاریخی زیارت قبر امام حسین(ع) را توسط جابر دو گونه، گزارش کرده اند. گزارش نخست، زیارت جابر را همراه با عطیه عوفی، به طور مسند و با تفصیل گزارش کرده، گزارش دوم، زیارت جابر را به همراه ملاقاتش با اسرای اهل بیت(ع) که از شام بازگشته اند، آورده است.

جابر بن عبدالله انصاری، نخستین زائر قبر امام حسین(ع) بود. منابع تاریخی زیارت قبر امام حسین(ع) را توسط جابر دو گونه، گزارش کرده اند. گزارش نخست از طبری شیعی است که زیارت جابر را همراه با عطیه عوفی، به طور مسند و با تفصیل گزارش کرده، اما در آن، سخنی از ملاقات وی با اهل بیت امام حسین(ع) به میان نیاورده است. گزارش دوم از سید ابن طاووس است که زیارت جابر را بدون همراهی عطیه و به اختصار، بیان کرده و به دنبال آن، ملاقات جابر را با اسرای اهل بیت(ع) که از شام بازگشته اند، آورده است.

اربعین در فرهنگ دینی

واژه «اربعین» در متون دینی و مجموعه های حدیثی از ارزش والایی برخوردار است. آثار حفظ چهل حدیث، اخلاص عمل در چهل روز و دعای عهد در چهل صبح، کمال عقل در چهل سالگی، دعا برای چهل مؤمن، شهادت چهل مؤمن برای میت و بعثت غالب انبیاء در چهل سالگی، از جمله مواردی است که ارزش و جایگاه این اصطلاح اسلامی و عرفانی را مشخص می سازد.